

بزرگداشت دکتر ابراهیم یونسی نویسنده و مترجم توانای کرد

رحیم رحیم‌زاده



بعد از ظهر پنجشنبه پانزدهم شهریورماه سال جاری در سالن اجتماعات موزه ملی به همت جامعه کردهای مقیم مرکزی مراسم باشکوه و غرورآفرین از خدمات فرهنگی استاد دکتر ابراهیم یونسی قدردانی به عمل آمد.

آقای یونسی نویسنده، مترجم و محقق معاصر بیش از ۴۰ سال است به امر ترجمه، تحقیق و نوشتن همت گماشته. در سن ۷۵ سالگی هنوز می‌نویسد و روزانه بیش از چهارده ساعت از وقت خود را به این امر اختصاص می‌دهد.

گرچه جامعه کردهای مرکز این مراسم را برگزار کرد اما، واقعیت این است که استاد یونسی تنها به کردستان تعلق ندارد زیرا، او به تمام انسانها فکر می‌کند. به ترک می‌اندیشد، به عرب، بلوچ و کرد دلبسته است. برای او قومیت معنی ندارد. او نه تنها به ایرانی بلکه به غیر ایرانی هم فکر می‌کند. بنابراین باید گفت که جامعه کردهای ایران طی این مراسم از یکی از فرزندان ایران قدردانی نمود.

در این جلسه چند نفر سخنرانی کردند که خلاصه‌ای از آنها را می‌خوانیم: نخست آقای دکتر ابریشمی رئیس هیئت مدیره جامعه ضمن خیرمقدم در خصوص جامعه کردها توضیحاتی بیان داشتند. اولین سخنران آقای محمد رؤف توکلی معلم ادبیات و عضو جامعه بود که گفتند: در گذشته رسم بر این بود که پس از مرگ از بزرگان قدردانی می‌شد. چند سالی است این سنت شکسته شده از نامداران کشور در قید حیات هم تقدیر به عمل می‌آید. جامعه کرد فرزندان زیادی در زمینه‌های مختلف تربیت نموده و به جامعه ایران تحویل داده که در فرهنگ و ادب می‌توان به میرزاده عشقی، رشید یاسمی، محمد قاضی، مهین دخت معتمدی، عبدالرحمان شرف‌کنو (هزار)، علی محمد افغانی، احمد محمود، نصرت‌الله نویدی و علی اشرف درویشیان اشاره نمود. اما امروز از استاد دکتر ابراهیم یونسی تجلیل می‌کنیم. پدر ایشان سلیمان خان، نوه یونس خان حاکم سابق بانه هستند. استاد در سنین خردی مادر را از دست داد و مادر بزرگ او را پرورش داده است. ایشان در سال ۱۳۲۸ ازدواج نمود که ثمره آن سه دختر و یک پسر می‌باشد. در سال ۴۴ به استخدام مرکز آمار ایران درآمد و به عنوان محقق، مترجم و رئیس دارالترجمه

فعالیت نموده. از دانشگاه سوربن پاریس دکتری اقتصاد و توسعه گرفته، اولین ترجمه ایشان کتاب آرزوهای بزرگ بوده. در سال ۵۶ به اتفاق تنی چند کمیته دفاع از حقوق بشر را بنیان گذاشت. در فروردین ماه سال ۵۸ در کابینه مرحوم مهندس بازرگان به استانداری کردستان منصوب شدند. (برای اطلاع بیشتر در مورد استاد به فصلنامه مترجم شماره ۳۳ پاییز و زمستان ۷۹ مراجعه شود).

ایشان از اصطلاحات من در آوردی کردی راضی نیستند. کتابهایی درباره کردستان ترجمه کرده‌اند مثل جنبش ملی کرد - کردها، ترکها، عربها. از قلم به‌دستان ایرانی گنجه دارند. در مورد مصدومین بمباران شیمیایی حلبچه می‌نویسند (ص ۱۷ مقدمه جنبش ملی کرد) ... "من ندیدم و نشنیدم کسی از برادران اینجا به دیدار آن برادران و خواهران مصدوم (صدام‌زده) رفته باشد و شاخه‌گلی یا آب‌نباتی به نشان برادری برایشان برده باشد. من ندیدم و نشنیدم که مطبوعات هم کسی را به این کار برانگیخته یا ضرورت انجام چنین کاری را یادآوری کرده باشند. خوب، شاید بگویید، بیمارستان است و به بیمار می‌رسند. بله. ظاهراً غرض بر این است که می‌رسند، ولی واقعیت این است که در مواقع عادی هم - با قبول این فرض - باز با بیمار همراه می‌فرستند، و از بیمار عیادت می‌کنند. آخر گویا این چیزها - این اطراف خالی نکردن‌ها - در شرق مرسوم است و بیمار شرقی است و در روحیه‌اش تأثیر دارد؛ کمترین تأثیرش این است که احساس بی‌کسی و بی‌پشت و پناهی نمی‌کند، چطور شد نرفتم؟ چطور شد نخواستیم به آن برادران بگوییم که خوب، حالا که به این صورت "باز آمده‌اید" بدانید که ما هنوز همچنان برادریم؟ ..."

استاد به همه انسانها عشق می‌ورزند؛ با ترجمه کتاب آمریکای دیگر، فقر آمریکا را تعریف می‌کند، در کتاب سیاهان آمریکا را ساخته‌اند، از سیاه‌پوستان دفاع می‌کند. با ترجمه اسپارتاکوس از مردم تحت ستم دفاع می‌کند و در دفاع از ملت فلسطین کتاب صهیونیسم را ترجمه می‌کند.

آقای علی شرف‌درویشیان نماینده کانون نویسندگان در این جلسه گفتند: "نویسندگان، شاعران و مترجمان بسیارند، اما آنها که با مسؤلیت و تعهد می‌نویسند و شخصیتی مستقل دارند، از احترام ویژه‌ای برخوردارند. دکتر یونسی در سراسر زندگی، سازش‌ناپذیر، مبارز و مدافع حقیقت بودند. پایداری او در اعتلا و تداوم کانون نویسندگان ایران و حضورش در جلسات کانون همه از این وجود نجیب است. او با کار فرهنگی خود ۷۶ عنوان کتاب اعم از ترجمه و نوشته به چاپ رسانده، به شکوفایی ادب کشور و شناسایی فرهنگ کرد کمک کرده و از چهره‌های شاخص در این عرصه می‌باشد."

آنگاه آقای سلطانی نویسنده کتاب چندجلدی تاریخ کرمانشاه، درباره شخصیت و آثار استاد صحبت کردند. سپس آقای یوسف زمانی با ویلون قطعاتی را اجرا کردند که بسیار مورد توجه قرار گرفت. در ادامه خود استاد یونسی پشت میکروفن قرار گرفت (به‌رغم معلولیت جسمی خود به احترام حضار پشت صندلی نشستند و در حالت ایستاده) چنین گفتند:

"به نام خدا. از همه خانمها و آقایان تشکر می‌کنم. بنده نه این لیاقت را دارم و نه این مایه را. از جناب آقای وزیر، جناب آقای احمد محمود، جناب آقای دولت‌آبادی و جناب آقای درویشیان تشکر می‌کنم.

در زندان فکر کردم مأمور دولت نیستم. حقوق بگیر نیستم. اگر دری به تخته خورد و بیرون آمدم باید برای معاشم وسیله‌ای داشته باشم. لذا تصمیم گرفتم خودسازی بکنم تا در بیرون چشمم به دست ساواک نباشد. در بین گروه پانصد نفری ما، ۶۳ پزشک، سی و چند مهندس و بقیه لیسانس بودند. روزانه ۱۶ ساعت کار می‌کردم. کتاب می‌خواندم و مطالعه می‌کردم. بعد از مدتی رمان خواندن را شروع کردم. تا، زنده‌یاد سیاوش کسرای می‌را تشویق کرد کتاب آرزوهای بزرگ اثر چارلز دیکنز را ترجمه کنم. انتشارات نیل آقای سیروس پرهام آن را به چاپ رساند و در امر چاپ نظارت داشتند که از ایشان تشکر می‌کنم. سال ۳۸ دو ترجمه به عنوان ترجمه سال برگزیده شد. یکی کتاب آرزوهای بزرگ دیگری کتاب اودیسه هو مر ترجمه شادروان سعید نفیسی بود.

تا سال ۱۳۴۱ در زندان بودم. اوایل ۴۱ از زندان آزاد شدم. سه سال بیکار بودم در کامساکس (شرکت ساختمانی دانمارکی) در خدمت آقای قاضی مترجم بودم. بعد در مرکز آمار استخدام شدم. به خود آمدم که برای محیط پرورشی خود و نسبت به زادگاه خود چکار کرده‌ام. فارس، کرد را؛ کرد، فارس را؛ کرد، لر را و اینها همدیگر را نمی‌شناسند. شروع کردم به معرفی مردم کردستان و ناچار به رمان رو آوردم. زیرا، نمی‌توانستم تحقیق بکنم یا تاریخ بنویسیم چون تحقیق یک گروه می‌خواهد. برای تاریخ نوشتن به گشتن و سند پیدا کردن نیاز است که یک عمر می‌خواهد. به دلیل فرم رمان، به رمان پناه بردم زیرا رمان می‌تواند هم کار جامعه‌شناسی و هم کار تاریخ را انجام بدهد. رمان، معرفی یک یا چند شخصیت داستانی در یک جامعه مشخص است. برای شناساندن مردم کرد اول به خودشان رمان را برگزیدم. ما کردها تمام محسنات را به خود نسبت می‌دادیم، بقیه را بری می‌کردیم.

هیچ جنگلی نمی‌تواند گیاه سمی، گیاه شفابخش یا میوه نداشته باشد منتهی از هر کدام چقدر داشته باشد. کتاب مادرم دو بازگریست رابطه کردها با آذری‌ها است. خواستم آذری‌ها و کردها همه را به یک چوب نرانند. برای رفع سوء تفاهم‌ها نوشته‌ام. رؤیا به رؤیا را با غرض و منظور نوشته‌ام. سنتی فکر می‌کنم زیرا رمان تیپ جویس، کافکا و پروست به درد کرد نمی‌خورد، به درد ایرانی هم نمی‌خورد. باید به ایرانی راه نشان داد، باید صحبت دقیق و درست باشد. در کارهایم کسی را مدیون خودم نمی‌دانم. دنبال ترجمه رفتن نیاز مادی خودم بود که حرفه‌ای داشته باشم. احساس خودم بود. هیچ‌کس نمی‌تواند رمان بنویسد و بی‌احساس بنویسد یا به دستور بنویسد. هدف اولم ادای دین به جامعه‌ام بود. امروزه نویسنده را هم به صورت "سرویس من" نگاه می‌کنند. بنده منتی بر کسی ندارم. محبتی را که فرمودید عمیقاً احساس می‌کنم. خوشحال و شاد خواهم شد و شاد از جهان خواهم رفت بدانم که، مردم کردستان می‌توانند رمان بخوانند. رمان یک مطالعه اجتماعی تاریخی است. انسان با خواندن رمان با محیط، عشق و علایق و احساسات محیط خود آشنا می‌شود. و این واقعیت‌ها است که نویسنده باید در آثار خود منعکس نماید." استاد محمود دولت‌آبادی به عنوان آخرین سخنران در این جلسه صحبت کردند که خلاصه آن بدین مضمون بود: "هر وقت که صحبت از مردم کرد می‌شود صفاتی مثل: دلیری، شجاعت، صداقت،

جوانمردی، گذشت و ... مطرح می‌شود. مردم کرد دارای این چنین خصصت‌هایی هستند. با این کلمات خصال برجسته کلاسیک در مردم کرد برجسته می‌شود. "آقای دولت‌آبادی بخشی از کتاب سیری در ادبیات غرب را که حدود سی سال پیش دکتر یونسی ترجمه کرده‌اند قرائت کرده و گفتند: "گفتن کلیات درباره یک شخصیت آسان است. پرداختن به اجزاه شخصیت او زمان می‌برد. یونسی در آموزش ادبیات به ما، نقشی آرام و عمیق داشته است. این را به عنوان یک نویسنده می‌گوییم. تلاش یونسی بیشتر آشنا ساختن ما با ادبیات و فرهنگ جهان بوده. او به خوبی این کار را انجام داده است. یونسی در کنار بزرگ شخصیت‌هایی قرار می‌گیرد که در ترجمه و تحقیق حق عمده‌ای بر گردن ما دارند. ایشان برای ایجاد پل‌هایی مناسب بین ما و جهان کارهای بسیار ارزنده‌ای انجام داده‌اند. فرد می‌تواند به عنوان خواننده هر اثر ایشان را با اعتماد کامل بخواند و از احتمال نوعی جذامیت و آوازه‌گری به دور باشد.

به گمان من یونسی مصداق خویش‌کاری آده‌می است که این تعریف را شاهرخ مسکوب ساخته و به جای خودسازی به کار گرفته است. یونسی، مصداق خویش‌کاری آده‌می است با دشواری‌هایی که در خویشکاری می‌شناسد. دوره‌ای را که یونسی یکی از چهره‌های درخشان آن است شاید بتوان گفت دوره چهارم است. اندیشه‌ورزی و تکاپوی فرهنگی ادبی است. دوره از آستانه مشروطیت تا امروز است.

مرحله چهارم یونسی‌ها، قاضی‌ها، نجف‌دریابندری‌ها و احمد محمودها هستند. این چهارمین دوره بارورترین دوره‌ها است. به رغم آفات، با شاخص‌ترین چهره‌های کوشایش بی‌چشم داشت به ادبیات و زبان فارسی خدمت کرده‌اند. من ضمن احترام عمیق به مردمان کرد از هم‌میهمانان کرد که زحمت و تدارک این مراسم را عهده‌دار هستند قدرشناسی می‌نمایم. ناگفته نگذارم همه مردم ما، همه فرهیختگان کشور ایران قدرشناس منش، رفتار و کوشش ابراهیم یونسی در زبان و ادبیات ایران بوده‌اند، هستند و خواهند بود. ایران رسمی نسبت به برخی از فرزندان خود کم‌تلف بوده است. اما این کم‌تلفی باعث نشده که فرزندان یونسی‌ها بیار نیابند. یونسی زده کردستان، پرورده ایران، پرورش دهنده همه مشتاقان ادب و فرهنگ و زبان در گسترده وسیع و زیبای جغرافیای انسان ایرانی هست و خواهد بود."

در این مراسم لوح تقدیری که به زبان فارسی و کردی نوشته شده بود از طرف جامعه کردها به دکتر یونسی تقدیم گردید. در بیرون از سائین اجتماعات آثار مکتوب و ترجمه شده ابراهیم یونسی در معرض دید مشتاقان قرار داشت که می‌توان به شرح زیر از آنها نام برد: آرزوهای بزرگ، اسپار تا کوس، خیاط جادو شده، خانه قانون‌زده، تاریخ ادبیات روسیه، تاریخ ادبیات یونان، سیری در ادبیات غرب، سیری در ادبیات روس، تاریخ ادبیات آفریقا، کردها، داستان دو شهر، بازگشت بومی، صهیونیسم، کردها و کردستان، فتنه‌های بیداد، تام جونز، در ستایش فراغت، میراث شوم، سه رفیق، دنیای کوچک دن کامیلو، امریکای دیگر، آشیان عقاب، سیاهان امریکارا ساختند، تامس هاردی، تجارت اسلحه، فردا، کاشانکا، هنر داستان‌نویسی، دل‌داده‌ها، کسی شبیه خودم، ورق پاره‌های جوانی، سگ شمال، گورستان غریبان، تاریخ اجتماعی هنر، مسأله کرد و روابط ترکیه و ایران، مرده‌ها زنده‌اند، تروتسکی، لارنس استرن. □